

کالبد شکافی عقل اسرائیلی

السید یاسین، تشریح العقل الاسرائیلی، القاهرة: میریت للنشر و المعلومات، ۲۰۰۰، ۲۸۱ صفحه.

مهدی قویدل

دانشجوی کارشناسی

ارشد روابط بین الملل دانشگاه شهید بهشتی

کتاب «کالبد شکافی عقل اسرائیلی» در برگیرنده مجموعه‌ای از مطالعات دانشگاهی و مقالات مطبوعاتی است که در قالب پنج فصل به چاپ رسیده است. نویسنده کتاب مشاور مرکز مطالعات سیاسی و استراتژیک الاهرام و استاد جامعه‌شناسی سیاسی در مرکز ملی تحقیقات اجتماعی است.^۱ نویسنده در مقدمه کتاب با یادآوری فعالیت‌های خود در مرکز مطالعات سیاسی و استراتژیک الاهرام - به ویژه در زمینه جامعه‌شناسی اسرائیل - می‌گوید که با افرادی چون دکتر محمد عزت حجازی استاد جامعه‌شناسی مرکز ملی تحقیقات اجتماعی، دکتر قدری حفنی، استاد

روانشناسی دانشگاه عین شمس و دکتر حسین فهیم، استاد انسان‌شناسی دانشگاه آمریکایی قاهره در زمینه شناخت جامعه اسرائیل کار کرده است. برخی از نتایج این فعالیت‌ها از سال ۱۹۷۰ در روزنامه الاهرام به چاپ رسیده است و در واقع، این کتاب، دستاورد گردآوری آن مقالات است. این کتاب، مجموعه‌ای از مطالعات تحلیلی و انتقادی از صهیونیسم به عنوان ایدئولوژی نژادی و تحلیل روش شناسانه از ساختار جامعه اسرائیل با نگاه سیاسی از شخصیت اسرائیلی است. این مطالعات انتقادی، پایه و اساس تحلیل گرایش‌های افکار عمومی اسرائیل در مرحله ابتکار صلح «انور سادات» رییس جمهور وقت مصر و گفت‌وگوهای بعدی بین اسرائیل و مصر بود که منجر به امضای پیمان صلح بین دو طرف گردید.

فصل یکم کتاب تحت عنوان «صهیونیسم، ایدئولوژی نژادی؛ یک بررسی تحلیلی و انتقادی» ارائه شده است. صهیونیسم یک ایدئولوژی سیاسی و یک راه حل نژادی است که در قرن نوزدهم برای اسکان دوباره یهودیان در فلسطین به

عنوان سرزمین موعود به وجود آمد. نژاد پرستی از زمان بروز صهیونیسم به عنوان یک ایدئولوژی آن را همراهی کرد. این ایدئولوژی بر دو اندیشه استوار است؛ نخست اندیشه مربوط به وحدت ملت یهود در طول تاریخ و در حال حاضر و دوم اندیشه مربوط به یهودستیزی و به این ترتیب، اسرائیل، سیاستهای نژاد پرستانه خود را ساخته و پرداخته کرد. تأکید بر تداوم وجود و منفرد بودن ملت یهود در طول تاریخ، تمرکز بر ستمی که یهودیان در جوامع غربی متحمل آن شدند، تمرکز به سوء قصدهای ادعایی علیه یهودیان در کشورهای اسلامی، برانگیختن ترس دائمی مبنی بر احتمال تکرار کشتار یهودیان و تأکید بر تداوم وجود یهودستیزی در جهان، پایه های نژاد پرستی صهیونیسم را تشکیل می دهد. نخبگان اسرائیل موفق شدند این افکار را در ذهن اسرائیلی ها ایجاد کنند. این امر، موجب شد شخصیت اسرائیل دائماً تحت تأثیر شک و تردید، نپذیرفتن، تجاوز علیه اعراب و جهان غیر یهود و علیه سازمانهای بین المللی قرار گیرد. به این ترتیب روانشناسی اسرائیلی نیز بر این نکته

صحه می گذارد.^۲ به طور کلی، بعد نژاد پرستانه صهیونیسم از قرن نوزدهم - که به تشکیل دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ انجامید - موجب ایجاد یک جامعه نژاد پرستانه شد و کتاب دانشمند اسرائیلی «اسرائیل شاهاک» رئیس کمیسیون حقوق بشر اسرائیل تحت عنوان «نژاد پرستی دولت اسرائیل» برای مراکز فرهنگی غرب - که مدت زیادی فریب ادعاهای مربوط به سوسیالیستی و دموکراتیک بودن و حاکمیت اصل برابری در جامعه اسرائیل خورده بودند - شوک وارد کرد.

«روانشناسی جامعه اسرائیلی» عنوان فصل دوم کتاب است. این فصل حاوی مقالاتی است که طی سالهای ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۶ در روزنامه الاهرام به چاپ رسیده است و اصلیتیرین بخش کتاب است. نخستین مقاله تحت عنوان «اسرائیل از خرافه جامعه بی طبقه تا واقعیت کشمکش اجتماعی» ارائه شده است.^۳ می توان طبقات اصلی اجتماعی در اسرائیل را به سه طبقه متوسط، طبقه کارگر و طبقه کشاورز تقسیم کرد. البته اشتباه است اگر این سه

طبقه را طبقات کاملاً هماهنگ و هم‌رنگ بدانیم. به ویژه در مورد اسرائیل - زیرا هر یک از این طبقات در برگیرنده گروه‌های اجتماعی متفاوت و شاهد تنش‌های عمیقی است.

۱. طبقه متوسط

طبقه متوسط در جامعه اسرائیل به طور کلی با بخش خدمات جامعه، مطابقت دارد. بخش خدمات، تقریباً نیمی از جمعیت اسرائیل را پوشش می‌دهد. در داخل طبقه متوسط می‌توان سه گروه بورژوا، خرده بورژوا و خرده تاجران و یا پیشه‌وران فقیر را مشاهده کرد. بورژواها و خرده بورژواها از گروه «اشکناز» یا یهودیان غربی و پیشه‌وران کوچک از «سفاردیم» یا یهودیان شرقی و از مهاجران شمال آفریقا هستند.

۲. طبقه کارگر

در طبقه کارگر جامعه اسرائیل در مقایسه با طبقه متوسط، هم‌رنگی و سازگاری بیشتر، حس سیاسی عمیق‌تر و آگاهی طبقاتی ممتازی وجود دارد. این طبقه، سه دهم جمعیت اسرائیل را در بر

می‌گیرد.

۳. طبقه کشاورزان

این طبقه نسبت به دو طبقه یاد شده از گوناگونی بیشتری برخوردار است و بیست درصد جمعیت اسرائیل را شامل می‌شود. «بن‌گوریون» در مقدمه کتاب سالیانه دولت اسرائیل نوشته بود: «اسرائیل جامعه کارگران است که بدون سوء استفاده و یا گرایش‌های طبقاتی با دستان و عقلمای خود زحمت می‌کشند.»

یکی دیگر از مقالات فصل دوم تحت عنوان «ابعاد کشمکش بین دین و دولت در جامعه اسرائیل» ارایه شده است.^۴ به طور کلی یهودیان دیندار و اسرائیلی‌های لائیک در سه مورد اصلی اختلاف نظر دارند. نخست اینکه دینداران، مخالف هر گونه فعالیت در روزهای شنبه هستند؛ به ویژه درباره برنامه‌های تلویزیونی، حمل و نقل عمومی و گشایش مغازه‌ها و بازار؛ دوم، مخالفت با کالبد شکافی اجساد از سوی دینداران؛ سوم، اعتراض به تلاش لائیک‌ها نسبت به تصویب قانون ویژه ازدواج. طبق این قانون، ازدواج در اسرائیل

بر اساس قانون مدنی مجاز می‌شود و قانون دینی یهودیان نادیده گرفته می‌شود. دین یهود، ازدواج یک مرد یهودی و زن غیر یهودی را ممنوع کرده است و براساس قانون دینی، فرزندان حاصل از این ازدواج یهودی نیستند، ولی قانون مدنی این ازدواج را مجاز و فرزندان حاصل از آن را یهودی می‌داند. البته دینداران و لائیک‌ها در مورد میزان استقلال و دخیل کردن گروه‌های دینی در زمینه‌های آموزشی و میزان کمک‌های دولت به نهاد‌های دینی و همچنین ضرورت وجود نوشتاری در قانون اساسی مبنی بر اینکه دین یکی از پایه‌های این قانون است و نیز مشخص شدن زمینه‌های وحدت رویه کامل بین دین و دولت، اختلاف نظر دارند. به گفته «ایترشوات» جامعه‌شناس اسرائیلی، دینداران و لائیک‌ها در اسرائیل تنها بر سر نمایندگی انحصاری منافع و سازمان‌های دینی اختلاف نظر دارند.

مقاله دیگر به بررسی ویژگی‌های روان‌شناختی اسرائیلی‌ها می‌پردازد.^۵ روانشناسانی که روی «شخصیت اسرائیلی» مطالعه کرده‌اند موارد زیر را از مهمترین ویژگی‌های روانی اسرائیلی‌ها می‌دانند:

۱. همیشه خود را یک اقلیت مورد ستم واقع شده می‌دانند؛ ۲. نگرانی و احساس پستی؛ ۳. شک و دودلی نسبت به دیگران؛ ۴. بی‌اعتمادی به غیر یهودیان. البته احساس پستی به احساس برتری اسرائیلی‌ها نسبت به بقیه جهان تبدیل شده است. «رو بنشتاین» روانشناس یهودی می‌گوید: «اسرائیلی‌ها خواه فردی و خواه جمعی، دارای شک عمیقی نسبت به دیگران هستند.» وی سه نوع شک و نپذیرفتن را نزد اسرائیلی‌ها بر می‌شمارد. نخست، شک علیه اعراب و نپذیرفتن آنها؛ دوم، شک و تردید به جهانیان غیر یهود؛ سوم، موج شک به نظام‌ها و سازمان‌های بین‌المللی. نویسنده معتقد است که مطالعات متدلوزیک در مورد شخصیت اسرائیلی در مقایسه با آنچه در مورد شخصیت عربی در غرب نوشته شده اندک است. پروفیسور «بنیامین پت‌هالامی» از پژوهشگران یهودی در غرب، کمبود این گونه مطالعات را به استراتژی اجتماعی حاکم در اسرائیل نسبت می‌دهد و نام آن را «کوره ذوب»^۶ می‌نامد. منظور وی تلاش‌های دولت اسرائیل و جامعه برای ذوب کردن

فاصله‌ها و تفاوت‌های فرهنگی و اقتصادی بین گروه‌های متفاوت یهودی در جامعه اسرائیل است. به این ترتیب، سخن گفتن از «شخصیت روشمند» در اسرائیل دشوار است. منظور از این اصطلاح، این است که در یک جامعه مشخص و محدود بین اسرائیل - با توجه به تفاوت و فاصله شدید بین گروه‌های یهودی - شیوه و الگوی شخصیتی که در بین الگوهای شخصیتی بیشتر از همه تکرار شود وجود ندارد.

«دیدگاه صهیونیستی به آینده اسرائیل» یکی دیگر از مقالات فصل دوم کتاب است.^۷ در حقیقت نمی‌توان دیدگاه صهیونیستی یکپارچه‌ای در مورد آینده اسرائیل ارائه کرد. برخی از اندیشمندان صهیونیستی می‌گویند که اسرائیل باید میهن تمام یهودیان جهان باشد و همه یهودیان بتوانند در آن زندگی کنند. برخی دیگر - و پیشاپیش آنها «احدهاأم» فیلسوف یهودی - معتقدند اسرائیل در وهله نخست باید میهن روحی و معنوی یهودیان باشد، نه اینکه عملاً در آنجا زندگی کنند، بلکه در تجهیزات ایشان به ارزشهای فرهنگی کمک نماید و به استمرار تاریخیشان یاری رساند.

گروه سوم، برای اسرائیل نقش پیشتاز و طلایه دار فرهنگ و تمدن غرب را در منطقه قایلند که از لحاظ صنعتی و تکنولوژیک پیشرفته است و می‌تواند تحول و پیشرفت فرهنگی و تمدنی را در منطقه خاور میانه هدایت و رهبری نماید. واقعگرایی بر تصور نخست خط بطلان کشید و اسرائیل در اینکه قطبی برای جذب همه یهودیان جهان باشد، ناکام ماند. علت اصلی این مسئله، نه تنها اقتصادی، بلکه اساساً روانی است. تصور دوم نیز محقق نشد چون دولت اسرائیل با خشونت و زور تأسیس شد و پس از آن، دیگر مجالی برای سخن گفتن از نقش معنوی دولت اسرائیل نماند. اختلالات اجتماعی جامعه اسرائیل و سقوط ارزشها و بحران اخلاقی - حتی در سطح نخبگان مؤید این امر است. نویسنده معتقد است که تصور سوم مربوط به برتری تکنولوژیک اسرائیل و توانایی آن برای کمک به اعراب برای خروج از عقب ماندگی، بیشتر به اعراب مربوط می‌شود و ویژه تعامل اسرائیل با جهان عرب است. در این تصور، عقده روحی و روانی، نژاد پرستی، ادعا، خودبینی و نادیده گرفتن واقعیت نهفته

است. تصور سوم، به ویژه از ژوئن ۱۹۶۷ تا اکتبر ۱۹۷۳ بیشتر نمود داشت و مفهوم آن این است که قدرت اسرائیل شکست ناپذیر است و ناتوانی اعراب پدیده‌ای است که پایان ندارد. وقتی اسرائیل در دریای این تصور غرق بود، «ناحوم گولدمن» رییس کنگره جهانی یهود در سال ۱۹۷۰ با نوشتن مقاله معروفش تحت عنوان «آینده اسرائیل» به مقامات اسرائیل نسبت به توهم فریب دهنده مربوط به اینکه ناتوانی و ضعف اعراب، همیشگی است هشدار داد و آنها را به واقعگرایی فراخواند. در جنگ اکتبر، ادعاهای اسرائیل از هم فروپاشید و این هشدار دیگر بود. بنابراین همه چیز به زمان بستگی دارد.

فصل سوم کتاب به «گرایشهای افکار عمومی اسرائیل» اختصاص دارد. این مقاله در سال ۱۹۷۸ در مجله «السیاسة الدولية» به چاپ رسید. گرایشهای سیاسی افکار عمومی در هر کشوری و از جمله در اسرائیل، تحت تأثیر متغیرهای زیادی قرار دارد که مهمترین آنها عبارت است از: ایدئولوژی حاکم بر جامعه، شخصیت نخبگان سیاسی و گزینه‌های سیاسی آنها، الگوها و شیوه‌های

بافت اجتماعی که نخبگان سیاسی از طریق نظام آموزشی و رسانه‌ها آن را تحمیل می‌کنند. جامعه اسرائیل بر ایدئولوژی صهیونیسم بنا شده و نخبگان سیاسی - که اصلاً از یهودیان غربی هستند و افکار ضد غربی دارند - بر آن حکومت می‌کنند. تمام این مسایل درباره جامعه اسرائیل صدق می‌کند. جامعه اسرائیل بر ایدئولوژی صهیونیسم بنا شده که مدتهاست با ایدئولوژی دیگری با نام ناسیونالیسم عربی در کشمکش شدید به سر می‌برد. نخبگان سیاسی اسرائیل با نام اشکناز که یهودیان غربی هستند از طریق رسانه‌های گروهی و نظام آموزشی، افکار خود - به ویژه اندیشه‌های ضد غربی - را تحمیل می‌کنند. این نخبگان برای تحقق اهداف توسعه طلبانه سیاسی، افسانه‌هایی را در ذهن مردم اسرائیل القا کرده‌اند که تا مرز حقیقت پیش رفته است. از جمله اینکه، سرزمینهای اشغالی عربی، ضامن اصلی امنیت اسرائیل است و چشم‌پوشی از خاک، در چارچوب گفت‌وگوهای سیاسی، اسرائیل را به خطر می‌اندازد. افسانه خطرناکتر این است که برقراری صلح با

اعراب، بدون نیاز به باز پس دهی سرزمینهای اشغالی، امکان پذیر است. با توجه به اینکه افکار عمومی اسرائیل در بسیاری از مسایل پس از سفر انور سادات رییس جمهور آن هنگام مصر تغییر کرد، می توان گفت که تحت تأثیر رفتار نخبگان سیاسی و نظامی اسرائیل قرار دارد و هنوز دارای ابعاد خصمانه در برابر کشورهای عربی است. فهم دقیق گرایشهای افکار عمومی اسرائیل، بدون تحلیل عناصر اساسی آن و به عبارت دیگر، در سایه تفاوت قایل شده بین نسلهای مختلف اسرائیلی و طبقات متخاصم اجتماعی و سفاردیم و اشکناز و احزاب سیاسی رقیب ممکن نیست. ساختار عقل صهیونیستی، ویژه و متمایز از سایر عقول است و این، تجلی قرائت ایدئولوژیک و تحریف شده از تاریخ یهود است. اساس این قرائت، این است که برای حل مسئله پراکندگی یهودیان، چاره ای جز بازگشت به سرزمین موعود نیست. بازگشتی که به قیمت نابودی مردم فلسطین تمام می شود. به طور کلی دیدگاه اسرائیلی از اعراب، دارای سه تصویر متمایز از هم است. نخست «پوپریسم» منسوب به

فیلسوف یهودی «مارتین پوپر»، دوم «بنگوریسم» منسوب به بن گوریون نخست وزیر اسبق اسرائیل و سوم «وایزمانیسم» منسوب به حیم وایزمن، نخستین رییس جمهور اسرائیل. پوپریسم، خواستار توافق با اعراب از طریق راه حل‌های میانه است. بر این اساس، یهود، دینی است که معیارهای عالی اخلاقی را رعایت کرده است. به اعراب ظلم شده و اسرائیل باید از اقدامات غیر اخلاقی خود دست بکشد. از احزاب سیاسی اسرائیل، حزب مایام طرفدار این سیاست است که در وزارت خارجه اسرائیل هم طرفدارانش خواهان امتیاز دهی به اعراب هستند. هدف از امتیاز دهی رسیدن به صلح است اما در مورد چگونگی امتیاز دهی، اختلاف وجود دارد. بنگوریسم معتقد است که در طول تاریخ به یهودیان ظلم شده است و اعراب باید ما را در وطن تاریخیمان - فلسطین - به عنوان پسر عموهایشان بپذیرند، ولی آنها می خواهند از طریق تحریم و محاصره، «گتو» دیگری به وجود آورند. بنابراین، اعراب خواهان پذیرش همزیستی مسالمت آمیز نیستند و اسرائیل باید با مشت آهنین با آنها تعامل

داشته باشد. وایزمنیسم خواهان توافق بین اسرائیلی‌ها و اعراب از طریق مباحثات و گفت‌وگوهای عقلایی برای رسیدن به راه حل‌های معتدل و میانه است. بر این اساس، درگیری اعراب و اسرائیل یک کشمکش بین‌المللی نیست، بلکه یک درگیری طولانی است که حل خواهد شد. بنابراین، باید جو تغییر کند و بین طرف‌های درگیر اعتماد سازی شود. به طور کلی، نخبگان اسرائیل در دهه ۱۹۵۰ و تا جنگ ۱۹۶۷ بر این عقیده بودند که اعراب جز زبان زور نمی‌فهمند. پس از شکست اسرائیل در جنگ اکتبر ۱۹۷۳ این عقیده متحول شد. از اکتبر ۱۹۷۳ بعد آنها دریافتند که از طریق گام‌های طولانی می‌توان به راه حلی دست یافت و احتمالاً پیمان کمپ دیوید، ناشی از این تحول بود و کنفرانس مادرید و سپس پیمان نامه‌های اسلو و پیمان صلح «وادی عرب» بین اسرائیل و اردن ناشی از گرایش نخبگان سیاسی اسرائیل به وایزمنیسم است. اما با به قدرت رسیدن «بنیامین نتانیاهو» به عنوان نخست‌وزیر اسرائیل از حزب دست راستی لیکود در سال ۱۹۹۶ تل‌آویو سیاست بن‌گوریونیسم - مبنی بر

اعمال زور علیه اعراب - رای‌گیری گرفت. نویسنده در فصل چهارم کتاب به مسئله عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل پس از کنفرانس مادرید تاکنون می‌پردازد و معتقد است که اعراب بر پایه توهم در کنار میزهای گفت‌وگو قرار گرفتند در حالی که اسرائیل واقعیات را در نظر گرفت. خروج اسرائیل به پشت مرزهای ژوئن ۱۹۶۷ و به رسمیت شناختن حقوق مردم در تشکیل یک دولت مستقل توهم بود، اما اسرائیل از سوی اعراب به رسمیت شناخته شد و این، امتیاز بزرگی برای تل‌آویو بود. پس از کسب این امتیاز، اسرائیل به بازی سیاسی از طریق گفت‌وگوهای طولانی و پیچیده روی آورد. هدف این بازی، شانه خالی کردن از تعهدات خود در مادرید بر سر طرح «زمین در برابر صلح» است.

«کشمکش فرهنگی و تمدنی بین مصر و اسرائیل» عنوان فصل پنجم کتاب است. پس از شکست مصر در جنگ سال ۱۹۶۷، نوشته‌هایی که در مورد علت و ابعاد این شکست منتشر شد بر بعد فرهنگی در کشمکش اعراب و اسرائیل تمرکز یافت و عنوان شد که شکست، تنها نظامی یا

سیاسی نیست، بلکه در وهله نخست، شکست، فرهنگی است. مضمون این مسئله، بزرگ و خطرناک است. به عبارتی اسرائیل به این دلیل اعراب را شکست داد که الگوهای فرهنگی پیشرفته تری نسبت به اعراب دارد. بنابراین، می بینیم که برخی نویسندگان، مانند «احمد بها الدین» بر ضرورت تأسیس یک «کشور امروزی» که قادر به رویارویی با اسرائیل باشد اشاره کردند. این تفسیرها معانی خطرناکی در برداشت، یعنی باید منتظر چندین نسل بود تا «دولت امروزی» به وجود آید. حقیقت این است که اسرائیل هر چند از لحاظ نظامی پیشرفته است، اما به لحاظ فرهنگی فقیر است زیرا تعامل مسالمت آمیزی با سایر ملل ندارد. انحصار برتری نظامی اسرائیل در جنگ سال ۱۹۶۷ شکسته شد، زیرا نیروهای مصری شیوه های جنگ مدرن را اعمال کردند. شکست سال ۱۹۶۷ در واقع شکست نخبگان سیاسی بود که در بسیج جامعه برای جنگ عاجز بودند. نیروهای مسلح مصر توانست شش سال پس از شکست ژوئن ۱۹۶۷، جنگ اکتبر ۱۹۷۳ را آغاز کنند که مراکز استراتژیک جهان آن را نقطه عطف

مهمی در جنگ مدرن دانستند. در هر حال، مسئله چالش فرهنگی بین اعراب و اسرائیل در شرایط صلح، مستلزم بررسی دقیق ماهیت کشمکش اعراب و اسرائیل و تحلیل انتقادی نظریه های روابط بین الملل است. کتاب «کالبد شکافی عقل اسرائیلی» در برگیرنده مجموعه ای از مطالعات تحلیلی و انتقادی از صهیونیسم به عنوان یک ایدئولوژی نژادی است. علاوه بر تحلیل متدلوژیک از ساختار جامعه اسرائیلی، از شخصیت اسرائیلی نیز قرائت سیاسی به عمل آمده است. این مطالعات انتقادی در اصل، تحلیل گرایشهای افکار عمومی اسرائیلی در مرحله ابتکار صلح انور سادات و گفت و گوهایی مصر و اسرائیل بود که در پایان به پیمان صلح بین دو طرف انجامید. کتابها و مقالات زیادی در مورد کشمکش اعراب و اسرائیل به نگارش در آمده است ولی کتاب حاضر در اقدامی کم نظیر به کشمکش فرهنگی اعراب و اسرائیل - به ویژه مصر و اسرائیل - نیز پرداخته و به این نتیجه رسیده است که اگر زمانی درگیری نظامی مصر و اسرائیل به پایان برسد، این درگیری به حوزه فرهنگ منتقل خواهد شد.

در مجموع این کتاب، تصویری از فرهنگ سیاسی روانی موجود در جامعه اسرائیل را برای پژوهشگران علاقه مند ارائه داده است و هر چند در نوع خود اقدامی کم نظیر است ولی چنانچه عمیقتر به روانشناسی سیاسی جامعه اسرائیل پرداخته می شود، بر ارزش عملی آن افزوده می شد.

یادداشتها:

۱. به نقل از معرفی ناشر در پشت جلد. کتاب دیگری از همین نویسنده با نام «جهانگرایی و جهانی شدن» یا «العالمیة والعولمة» که چاپ یکم آن در سال ۲۰۰۰ و چاپ دوم آن در سال ۲۰۰۱ منتشر شده است.

2. G. Tamarin, *The Israeli Dilemma: Essays on a Warfare State*, Rotterdam: Rotterdam University Press, 1973.

۳. این مقاله در تاریخ ۱۰/۲۵/۱۹۶۹ در روزنامه الاهرام به چاپ رسید.

۴. این مقاله در تاریخ ۱۶/۲۴/۱۹۷۲ در روزنامه الاهرام به چاپ رسید.

۵. این مقاله در تاریخ ۶/۲/۱۹۷۹ در روزنامه الاهرام به چاپ رسید.

۶. بوتقة الصهر.

۷. این مقاله در تاریخ ۶/۱۵/۱۹۷۵ در روزنامه الاهرام به چاپ رسید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی